

لقاب آفتاب خراسان

امام آئینه تمام زیباییهاست جلوه‌های جمال و جلال ربوبی در سیمای امام درخششی تام و تمام یافته است. امام نمونه انسان کامل در مسیر صعودی و پرواز شکوهمند به سوی نیکبها و خوببهاست...



امام آئینه تمام زیباییهاست جلوه‌های جمال و جلال ربوبی در سیمای امام درخششی تام و تمام یافته است. امام نمونه انسان کامل در مسیر صعودی و پرواز شکوهمند به سوی نیکبها و خوببهاست. آنچه در روایات از صفات و القاب گوناگون برای امام بیان شده، هر یک ظهوری از جلوه‌های نورانی امامت است که ابعادی از سیمای معنوی و ملکوتی‌اش را فرا راه حق جویان و عارفان قرار می‌دهد. بر این اساس به بخشی از صفات هشتمین امام معصوم(ع) می‌پردازیم و پرتوی از انوار رضویه را که در نامهای آن بزرگوار تجلی یافته است به نظاره می‌نشینیم.

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبارالرضا می‌نویسد: امام هشتم(ع) را با القاب زیر یاد می‌کردند: ۱. رضا ۲. صادق ۳. صابر ۴. فاضل ۵. قره‌اعین المؤمنین «نور چشم مؤمنان» ۶. غیظ الملحدین «مایه خشم منکران خدا» ۱. و در بعضی از روایات به آن حضرت «عالم آل محمد(ص)» لقب داده شده است.

چنانکه از حضرت موسی ابن‌جعفر(ع) روایت شده که پدرم جعفر ابن‌محمد(ص) مکرر به من می‌فرمود عالم آل محمد(ص) در نسل توست و کاش من او را می‌دیدم و او همان امیرالمؤمنین(ع) است. ۲. از آنجا که لقب‌های «عالم آل محمد(ص)» و «الرضا» ظهور و شهرتی کامل‌تر داشته و در روایات معصومین نیز ذکر شده است، بیشتر به توضیح دو صفت مذکور می‌پردازیم.

الف) عالم آل محمد(ص):

در کتابهای روایی بر ویژگی علم و دانش آن حضرت تأکید شده است که علاوه بر گفتار پیشین امام صادق(ع) روایات دیگری نیز آن را بیان می‌کند. چنانکه در روایات دیگری از امام صادق(ع) پس از اینکه امتیازات امام موسی بن‌جعفر(ع) را بیان می‌نماید می‌خوانیم: یخرج الله تعالی منه غوث هذه الامه، و غياثها، و علمها، و نورها و فهمها و حکمها... قوله حکم و صمته علم، بین للناس ما یختلفون فیه: خداوند از نسل فرزندم موسی دادرسی و فریادرس این امت و روشنی بخش است و فهم و حکمت امت را متجلی می‌سازد... سخنش حکم و سکوتش دانش - و روشننگر مسائل مورد اختلاف مردم است. ۳.

و در روایت دیگری امام موسی بن‌جعفر می‌فرماید: رسول گرامی اسلام را خواب دیدم و فرزندم علی را اینگونه برایم وصف نمود «علی ابنک ینظر بنورالله ... قد ملئ حکما و علما: پسرت علی با نور الهی می‌بیند و از دانش و احکام الهی لبریز شده است. ۴.

اکنون سؤال این است که تمام امامان از این صفت به نحو کامل برخوردار بوده‌اند چرا تنها امام رضا(ع) بدان صفت نامگذاری شده است؟

در جواب می‌توان گفت انتخاب این صفت بر اساس ویژگی و شرایط اجتماعی فرهنگی بوده است که امام هشتم با آن روبرو بوده‌اند که ائمه پیشین با دید غیبی و اطلاع از آینده آن را برای آن حضرت انتخاب نموده‌اند. زمان امام رضا(ع) زمان اوج روآوری جامعه اسلامی به فلسفه و کلام و متون ترجمه شده فلاسفه یونان بود که عقیده‌شناسان و دانشمندان زیادی در این زمینه‌ها وجود داشتند، دکتر ابراهیم حسن می‌نویسد: «زمانی که دولت عباسی روی کار آمد از آنجا که این دولت رو به پارسیان داشت عربان و پارسیان در پایتخت ایشان با هم اختلاط و آمیزش یافتند و خلفا به دانستن علوم یونان و ایران رغبت نشان دادند «منصور» فرمان داده بود تا چیزی از کتابهای بیگانه را ترجمه کنند «حنین بن‌اسحاق» بعضی از کتابهای «سقراط» و «جالینوس» را برای وی به عربی برگرداند «ابن مقفع» «کلیله» را به عربی درآورد و نیز کتاب «افلیدس» را ترجمه کرد و جز ابن‌مقفع بسیاری دیگر از دانشمندان نیز در کار ترجمه متون به زبان فارسی شهرتی یافتند مانند خاندان نوبختیان و حسن ابن‌سهل «وزیر مأمون» و احمد ابن‌یحیی بلاذری «مؤلف فتوح البلدان» و عمرو ابن‌فرخان در دوران هارون ترجمه رواجی دیگر یافت: از بعضی از شهرهای بزرگ روم کتابهایی به تصرف وی افتاد و او گفت از کتابهای یونان هر چه بیشتر به دست آمد ترجمه کنند تشویقی نیز که بر مکیان از مترجمان می‌کردند و ایشان را عطا‌های خوب می‌دادند در رواج ترجمه مؤثر بود خود مأمون هم ترجمه می‌کرد او مخصوصا به ترجمه کتابهای یونانی و ایرانی علاقه داشت و کسانی را به «قسطنطنیه» فرستاد تا کتابهای کمیاب فلسفه و هندسه و موسیقی و طب را بیاورند «ابن ندیم» می‌گوید: میان مأمون و پادشاه روم نامه‌هایی رد و بدل شد و از او خواست تا از علوم قدیم که در خزانه روم بود کتابهایی بفرستد و او پس از امتناع پذیرفت و مأمون گروهی را که «حجاج ابن‌مطر» و «ابن‌طریق» و «سلما» سرپرست «دارالحکمه» از آن جمله بودند فرستاد تا از آن کتابها هر چه خواستند برگرفتند و چون نزد مأمون بردند دستور داد تا آنها را به عربی برگردانند و آنان نیز این کار را کردند. ۵»

از طرف دیگر قبول ولایتعهدی از جانب امام رضا(ع) به دلائلی که در محل خویش بیان شد موجب شهرت و رویارویی حضرت با مکاتب و ادیان مختلف در سطحی گسترده گشت. البته آنچه از روایات استفاده می‌شود این است که مأمون این مناظرات را جهت درهم شکستن شخصیت علمی امام و در نتیجه بی‌اعتمادی شیعیان به امام خودشان تربیت می‌داد. چنانکه مأمون به «سلمان میروزی» متکلم معروف خراسان گفت: «أَتَمَّا وَجَّهْتُ إِلَيْكَ لِمَعْرِفَتِي يَقُوْتُكَ وَ لَيْسَ مُرَادِي إِلَّا أَنْ تَقْطَعَهُ عَن حُجَّةٍ وَاحِدَةٍ فَقَطُّ» بدین جهت به تو پیشنهاد مناظره دادم که قوت علمی ترا می‌شناسم و قصد من جز این نیست که در یکی از استدلالها راه را بر او ببندی؛ اما برخلاف نظر مأمون جلوه‌های علمی امام(ع) بیشتر می‌گشت و شایستگی اهل بیت پیامبر(ص) بر مردم و دانشمندان آشکارتر می‌شد. چنان که خود امام(ع) به «نوفلی» فرمود: «فَإِذَا قَطَعْتُ كُلَّ صَنْفٍ وَ دَحَضْتُ حُجَّتَهُ وَ تَرَكَ مَقَالَتَهُ وَ رَجَعَ إِلَى قَوْلِي عِلْمَ الْمَأْمُونِ أَنَّ الْمَوْضِعَ الَّذِي هُوَ بِسَبِيلِهِ لَيْسَ يُمْسَخُ لَه»

هنگامی که بر هر گروهی راه استدلال را بر بندم و استدلالشان را باطل کنم، مأمون خواهد فهمید که شایستگی آن جایگاه که انتخاب کرده است ندارد. ۷

جهت روشن‌تر شدن موضوع به نمونه‌ای از مناظرات امام در زمینه یکتایی خداوند می‌پردازیم
مناظره امام و جاثلیق مسیحی

در این مناظره حضرت رضا(ع) به روشی شگفت و زیبا دانشمند مسیحی را وادار به پذیرش یکتایی خدا می‌کند و توحید را از طریق آنچه مورد قبول آنان است، اثبات می‌فرماید. بدین گونه که حضرت در اثناء مناظره فرمود: من هیچ گونه ناپسندی از عیسی(ع) سراغ ندارم مگر آنکه نماز و روزه حضرتش اندک بود. دانشمند مسیحی برآشفته و گفت دانش خویش را ضایع کردی زیرا عیسی همیشه روزها را روزه و شبها به عبادت می‌گذراند. حضرت فرمود برای کسی نماز و روزه انجام می‌داد در اینجا کلام دانشمند مسیحی قطع گشت و از سخن باز ایستاد زیرا متوجه شد که قبول نماز و روزه از حضرت عیسی که در کتابهایشان نیز آمده است بیانگر این است که آن حضرت خود را بنده خداوند می‌دانسته است سپس حضرت فرمود چرا نمی‌پذیری که حضرت عیسی با اذن خدا مرده را زنده می‌کرد دانشمند مسیحی در پاسخ گفت از این جهت که کسی که مرده را زنده می‌کند و کور مادرزاد و پیس را خوب می‌کند او خدا است و شایسته پرستش است حضرت فرمود: أَلَيْسَ بِإِمْرٍ هَمِينَ كَارِ عَيْسَى رَا إِجْمَاعَ دَاةِ اسْتِ رُوى آب راه رفت و مرده زنده کرد و کور مادرزاد و پیس را خوب کرد مردم او را خدا نگرفتند و جز قیل پیامبر نیز آنچه را از عیسی صادر شده است انجام داد و سی و پنج هزار نفر را زنده کرد. و ابراهیم خلیل الرحمن چهار مرغ را ریزه ریزه کرد و هر قسمتی را بر سر کوهی نهاد و مرغان را صدا کرد و همه به سوی او آمدند و موسی بن عمران که با هفتاد نفر از اصحاب خود به سوی کوه «طور» رفته بودند پس از اینکه گفتند که ما هرگز به تو ایمان نیاوریم مگر اینکه خدا را آشکارا به ما بنماید. صاعقه آنها را فرو گرفت و همگی سوختند. موسی عرضه داشت: پروردگارا من هفتاد نفر از بنی اسرائیل را برگزیدم اگر تنها مراجعه کنم و این خبر را به آنان بدهم مرا تصدیق نخواهند کرد پس خداوند همه آنان را زنده ساخت. ای جاثلیق هیچ یک از آنچه را که بیان شد، نمی‌توانی منکر شوی زیرا که اینها در تورات و انجیل و زبور و قرآن ذکر شده است اگر هر کس مرده‌ای زنده کرد و خوب نماید کورمادرزاد و پیس و دیوانگان را شایسته پرستش باشد پس تمامی اینها را خدایان خود بگیر، چه می‌گویی؟

جاثلیق گفت: حق با شماست و جز خدای یکتا خدایی نیست. ۸.

بر همین اساس حضرت رضا(ع) به «غیظ الملحدین» - مایه خشم کافران - نیز یاد می‌شد زیرا بحثهای علمی و کلامی حضرت موجبات اضطراب و فرو ریختن پایه‌های استدلالی کافران و منکران خدا را فراهم می‌ساخت و همین نهضت علمی و گسترده وسیع آن بود که سبب شد شیعه برای همیشه راه خویش را بشناسد و چنان شد که اگر فردی تا امام رضا(ع) امامت را پذیرفته باشد به بقیه امامان نیز اعتقاد دارد و مسلک‌های واقفیه و فطحیه که معتقد به شش امام و یا امامت عبدالله افطح می‌شد مربوط به وضعیت و شرایط اجتماعی امامان پیشین می‌گردد که ستمگران خفقان شدیدی را برای رسیدن پیام اهل بیت علیهم السلام ایجاد نموده بودند.

ب - رضا(ع)

شیعیان و مسلمانان آزاده پس از دوران حکومت امام علی و فرزند بزرگوارش امام مجتبی علیهما السلام همواره آرزوی حاکمیت اهل بیت را در دل زنده نگه می‌داشتند و به آرزوی دستیابی به آن مبارزات خویش را سامان می‌دادند و گاه در شکل قیامهای خونین همچون قیام زید بن علی و شهید فخر، آرمان خویش را تجسم می‌بخشیدند و بر اساس همین آرمان ابومسلم خراسانی مردم را با شعار «الرَّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ(ص)» به مبارزه علیه امویان فرا می‌خواند و مخالفین خویش را به تسلیم در برابر حاکمیت رضای آل محمد(ص) فرا می‌خواند چنانکه طبری می‌نویسد ابومسلم به ابی‌منصور طلحه ابن‌رزق دستور داد مردم را به رضای آل محمد(ص) فرا خواند بدون اینکه از فردی خاص نام ببرد. ۹. و به فرستادگان خویش به سوی یکی از مخالفین خویش به نام نصر ابن‌سیار توصیه کرد «يَدْعُوهُ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ الطَّاعَةِ لِلرَّضَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ(ص)» او را به کتاب خدا و اطاعت رضای آل محمد فرا خواند. ۱۰ حتی پرچمی که برافراشتند همین نقش را داشت تا مردم جهتگیری مبارزات آنها را انتخاب برگزیده آل محمد(ص) دانسته و با آنان همکاری کنند مردم نیز همکاری زیادی با آنان نمودند اما برعکس مشاهده کردند که افرادی رهبری را به عهده گرفته‌اند که مرام و هدفشان بیگانه با اهداف رسول گرامی و اهل بیت پیامبر(ص) می‌باشد تا زمانی که ولایتعهدی امام رضا(ع) مطرح شد و سکه بنام آن بزرگوار زده شد در این هنگام شیعه و دوستان اهل بیت گمشده خویش را بازیافتند و او را مورد پسند یافتند و با دل و جان احساس نمودند که این همان رضای آل محمد(ص) می‌باشد. جهت دیگر این نامگذاری اینکه موافق و مخالف و دوست و دشمن در مقابل عظمت و خلافت رضوی گردن نهادند و حضرتش

مورد پذیرش همگی قرار گرفت بدین جهت او را رضا نامیدند زیرا که همگی با بیعت خویش خوشنودی خویش را از ولایتعهدی حضرتش اعلام داشتند. البته آنچه از برخی روایات استفاده می‌شود که خداوند متعال او را رضا نام نهاده است، منافاتی با این تحلیل ندارد زیرا که می‌توان نامگذاری خداوند را بر اساس همین موقعیت و شرایط اجتماعی دانست که برای حضرت رضا(ع) پیش آمد و از طرفی اعلام و اشاره به این جهت دانست که خداوند نیز از این ولایتعهدی حضرت خوشنود می‌باشد چنانکه متن روایت به روشنی بر آنچه گفته شد دلالت دارد. بزنتی می‌گوید: از امام جواد(ع) سؤال کردم که عده‌ای از مخالفین شما چنین می‌پندارند که مأمون پدر بزرگوارتان را رضا نامید زیرا به ولایتعهدی‌اش راضی گشت حضرت در پاسخ اظهار داشتند بخدا قسم که دروغ گفته‌اند بلکه خداوند او را «رضا» نامیده است زیرا مورد خشنودی او در آسمان و مورد خوشنودی رسول گرامی و ائمه معصومین(ع) در زمین قرار گرفته است سپس بزنتی می‌گوید از آن حضرت سؤال کردم مگر نه این است که هر یک از پدران بزرگوار شما مورد خوشنودی خدا و رسول و ائمه بعد از آن بزرگوار بوده‌اند پس چرا پدر بزرگوارتان به این نام اختصاص یافته است. حضرت فرمود: زیرا که مخالفین از دشمنان به او رضایت دادند چنان که موافقین از دوستانش به او راضی گشتند و این جهت برای پدران بزرگوارش تحقق نیافت بدین جهت آن حضرت «رضا»(ع) نام گرفت. ۱۱.

ج) صابر:

قرآن کریم صبر را به عنوان عامل و زیربنای راستین امامت و شایستگی آن قلمداد می‌کند و می‌فرماید: وَ جَعَلْنَا هُمْ آيَةً يَهْدُونَ يَا مَرْيَمُ لَمَّا صَبَرُوا؛ ما آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به دستور ما هدایت می‌کنند بخاطر اینکه صبر را پیشه خود ساختند. ۱۲. در زندگی امام رضا(ع) نیز تجلی این صفت را به روشنی درمی‌یابیم که در اینجا به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم:

۱- تدبیر و اندیشه الهی امام رضا(ع) مأمون را در رسیدن به اهدافش ناکام گذاشت و شخصیت آن حضرت را در دیدگان عظمت بیشتری بخشید بدین جهت مأمون در صدد آزار حضرت برآمد و حرکات حضرت را زیر نظر گرفت تا بموقع علیه آن بزرگوار توطئه خویش را عملی سازد. مرحوم صدوق می‌نویسد: مأمون، هشام ابن ابراهیم راشدی را به عنوان جاسوس و دربان حضرت گماشت و دسترسی به آن حضرت پیدا نمی‌کرد مگر کسانی که آنها دوست می‌داشتند «و ضيق على الرضا (عليه السلام) فكان من يقصده من مواليه لا يصل اليه؛» آنقدر بر حضرت سخت گرفتند که دوستان آن بزرگوار نمی‌توانستند به خدمت حضرتش برسند و هیچ سخنی در خانه حضرت بیان نمی‌شد مگر اینکه هشام آن را به مأمون و «ذوالریاستین» منتقل می‌کرد. ۱۳.

ب- اباضت هروی می‌گوید که من در سرخس به هنگامی که حضرت در زندان بودند به حضورش رسیدم از زندانبان اجازه خواستم گفت: بخاطر اشتغال فراوان حضرت به عبادت ملاقات میسر نمی‌شود. از او خواستم پیام مرا برساند و وقتی را برای من مقرر کند حضرت اجازه فرمود وارد شدم در حالی که در محل نماز خویش در حال تفکر نشسته بودند به حضرتش گفتم از شما اینگونه شایع شده است که مردم بندگان شما هستند حضرت فرمود خدایا ای خالق آسمانها و زمین و دانای پنهان و آشکار تو شاهدهی که هیچ وقت این را نگفته‌ام و از پدران خویش نیز این را شنیده‌ام: «و انت العالم بما لنا من المظالم عند هذه الامه» تو خود دانایی به ستمهایی که از این امت بر ما می‌رسد. ۱۴.

و این‌ها بخشی از سختیها و مشکلاتی بود که فرا راه قرار می‌گرفت و آن حضرت با صبر و حوصله مخصوص به خویش آن را تحمل می‌کرد - درود و صلوات خدا بر آن بزرگوار زمانی که در یازدهم ذی قعدة سال ۱۴۸ تولد یافت و زمانی که خورشید وجودش در قریه سناباد به خاک آرمید و هنگامی که در قیامت مبعوث شود و به دیدار زائران کویش بشتابد و آنان را شفاعت کند. به امید آن روز

۱ - عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۵۰. نقل از بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۹.

۲ - منتهی الآمال، ج ۲، ص ۲۵۶. فصل اول در ولادت امام رضا(ع).

۳ - بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۲.

۴ - بحار الانوار، ج ۴۸، ص ۱۳.

۵ - تاریخ سیاسی اسلام، ج ۲، ص ۲۹۶.

۶ - بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۷۸.

۷ - بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۷۵.

۸ - بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۳۰۳.

۹ - تاریخ طبری، ج ۶، ص ۴۹.

۱۰ - تاریخ طبری، ج ۶، ص ۴۵.

۱۱ - بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۴.

۱۲ - عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۵۴. نقل از بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۳۹.

۱۳ - بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۷۰.

عباس کوثری